







سوی فقیهی امامی است و شواهد دیگر که دلالت بر این دارد عالمان امامیه ناحیه شام عموماً خود را شافعی مذهب به منظور تسهیل حضور خود در جوامع علمی اهل سنت شام داشته اند را تأیید می کند. شاهد اخیر به دانسته های مادر خصوص نقشی که تقیه در شام تحت سیطره عثمانی ها در قرن دهم هجری به عنوان حفاظی برای مقابله با نزاع در جریان عثمانی با شیعیان امپراتوری صفویه داشته، مطلب تازه ای اضافه می کند.



ارزیابی و بررسی وضعیت شیعیان در شام قرن دهم هجری / شانزده میلادی موضوع ساده ای نیست. از یک سو شیعیان از شام تحت سیطره عثمانی اخراج یا قلع و قمع نشده اند و جوامع آنها تا روزگار کنونی باقی مانده است. دانسته است که عثمانی ها با اشراف محلی شیعه در شام و دیگر مناطق تعامل داشته و آنها را به عنوان جمع کنندگان خراج بدون انگ مذهبی زدن به آنها گمارده اند و از سوی موقوفاتی برای عتبات و مراقد مقدسه شیعه در نجف و کربلا در جنوب عراق معین کرده اند. از سوی دیگر تردیدی در این نیست که عثمانیها از نظر ایدئولوژیکی و مذهبی با تشیع و شیعیان مخالف بوده اند و در صد حضور شیعیان در طی حاکمیت عثمانی ها بر شام کاهش یافته است. در ایام حکومت فاطمیان و همدانیان شمار شیعیان در بسیاری از شهرهای شام چون صور، طرابلس و حلب بسیار بوده است. حلب حتی شاید شهری نیمه شیعه نشین بوده است. این وضعیت با قدرت گیری حکام سنی زنگی، ایوبیان و ممالیک دگرگون شد و همگی آنها برای حذف شیعیان از فضای عمومی و تقلیل دادن شیعیان کوشیدند، کاری که عثمانی ها نیز به عنوان سیاست اسلاف خود در خصوص رعایای شیعه شام در پیش گرفتند و ادامه دادند تا شمار جمعیت شیعیان در اکثر شهرهای ذکر شده کاهش یافت و تنها حضور شیعیان محدود به نواحی حاشیه ای چون نواحی جبل عامل و دره بقاع شد.<sup>۱</sup>

Raġmatī (ed.), *Law in Transmission: The Āmilī Role in the Development of Shi'i Law* (Qum: Academy of Islamic Sciences and Culture, 2009).

۱. در خصوص وضعیت شیعیان در شام تحت سلطه عثمانی بنگرید به:

Marco Salati, "I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana," *Rivista degli Studi Orientali* 63 (1989): 231-55; idem, "Ricerche sullo Sciismo nell'impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dīn al-Šahīd al-Tānī a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)," *Oriente*



منتهی شد که در پی آن صفویان اکثر بخش های آذربایجان را به عثمانی واگذار کردند. معاهدهٔ اخیر تا هنگام مرگ شاه طهماسب در ۱۵۷۶/۹۸۴ پابرجا بود هر چند روابط میان دو کشور زمانی که شاه طهماسب به شاهزاده بایزید عثمانی که بر پدرش سلطان سلیمان شوریده بود و به ایران آمده بود، پناه داده بود، متشنج شده بود (علوش، ۱۹۸۳).

در حالی که عثمانی ها به حفظ و برقراری امنیت در آناتولی شرقی خاصه میان قبایل و آنچه که می توانست به عنوان نشانی از تشیع حرکت آفرینی کند، توجه داشتند، شام نیز مورد توجه بود چرا که حلب شاهراه مهم تجارت و عبور کاروان های تجاری بود. عثمانی ها به کسانی که از ایران به قلمرو عثمانی سفر می کردند، که شامل کاروان های هر ساله حج مکه نیز می شد، حساس بودند چرا که در کاروان ها جاسوسان و آشوب گران صفوی حضور داشته اند (ابرهارد، ۱۹۷۰؛ کوتوغلو، ۱۹۶۲). چنین حساسیت های بالایی از سوی مقامات عثمانی باید شیعیان شام را به درپیش گرفتن حزم و احتیاط در عرصه های عمومی هویت و اعمال شیعی واداشته باشد که ممکن بوده به عنوان اتهام ارتباطی میان آنها با صفویان یا شیعیان ایرانی تلقی شود.

\*\*\*

### نسخه ای از کتاب الروضة البهية اثری فقهی در مذهب امامیه

نسخهٔ خطی از کتاب فقهی در مذهب امامیه دلیلی است که محمد بن احمد بن سید ناصر الدین عالمی امامی و شاگرد بلا فصل فقیه و عالم برجستهٔ امامی زین الدین عاملی بوده است. نسخهٔ خطی شمارهٔ ۲۰۱۷۲ کتابخانهٔ ملی تهران، کتابتی از کتاب دو جلدی زین الدین در فقه یعنی الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، شرحی بر کتاب اللمعة الدمشقية محمد بن مکی جزینی که توسط حاکم مملوکی دمشق در ۱۳۸۴/۷۸۶ به شهادت رسید و به شهید اول در سنت امامیه شهرت دارد، می باشد. از قرن دهم هجری تا کنون شرح اخیر متن متداول در سنت مدرسی فقه امامیه بوده است.

نسخهٔ مورد بحث به تفصیل توسط جلال الدین همایی در مطالعه ای منتشر شده پس از مرگش اخیراً به همراه مقدمه ای توسط رسول جعفریان منتشر شده است (همایی، ۲۰۱۵). کاتب این نسخه در انجامه ای که در ادامه آمده در پایان جلد اول نوشته است:

«وافق الفراغ من تعليقه صبح الثلاثا يوم الثالث عشر من شهر شعبان المعظم قدره من شهر



سنة سبعة و خمسين و تسعمائة بقلم العبد الفقير الى الله تعالى الخاطى الراجى عفوربه و شفاعه نبيه و ائمه محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين العلوى الحسينى العاملى عامله الله بلطفه و عفى عنه بمنه و كرمه».

پایان کتابت این مجلد مصادف است با صبح سه شنبه سیزدهمین روز از ماه شعبان المعظم، مقدر در سال ۹۵۷ بقلم بنده فقیر گناه کار آرزومند عفو خداوند بلند مرتبه و شفاعت پیامبر و امامانش محمد بن احمد بن سید ناصر الدین علوی حسینی عاملی که خداوند با لطفش با او رفتار کند و از وی درگذرد به بزرگواری و کرمش (الروضه البهیة، برگ ۱۵۸ پشت؛ همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۷۰-۹۷۳).

تاریخ کتابت مجلد نخست سیزدهم شعبان ۹۵۷ / ۲۶ آگوست ۱۵۵۰ است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن سید ناصر الدین علوی حسینی عاملی ذکر کرده است. به محل کتابت نسخه اشاره ای نشده است. مشخص است که وی نسخه خود را از روی نسخه اصل زین الدین عاملی کتابت کرده چرا که زین الدین برای وی مطالبی دال بر سماع نسخه توسط شاگرد به هنگام خواندن متن در نزدش و مقابله با اصل برای او نوشته است (همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۶۹-۹۷۰). همایی مدعی است که نسخه حاضر نخستین کتابت از نسخه اصل مؤلف بوده است (همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۶۹).

به علاوه گواهی سماعات، زین الدین اجازه کوتاهی دال بر قرائت متن در آخر جلد اول نوشته که نشان می دهد کاتب نه تنها نسخه را با اصل مقابله کرده بلکه کتاب الروضة البهیة را نزد مؤلف نیز خوانده است.

«انهاه احسن الله تعالى توفيقه و تسديده و اجزل من كل عارض<sup>۱</sup> مزیده و تأییده قراءه و سماعاً و فهماً و (متناً بجثاً)<sup>۲</sup> و استشراحاً فى مجالس متعددة آخرها يوم الأحد لثلاثة<sup>۳</sup> خلت

۱. همایی این کلمه را عارفة خوانده است. [همین خوانش صحیح است (ویراستار)].

۲. این کلمه در متنی که همایی آورده، از قلم افتاده است.

۳. همایی این کلمه را ثلثة خوانده است. (دشواری هایی در خواندن خط شهید وجود دارد. صورت درست انهاه شهید ثانی چنین است: «انهاه احسن الله تعالى توفيقه و تسديده و اجزل من كل عارفة مزیده و تأییده قراءه و سماعاً و فهماً و بجثاً و استشراحاً فى مجالس متعددة آخرها يوم الاحد، ليلاً خلت من شهر جمادى الاولى سنة ثمان و خمسين و تسعمائة من الهجرة الطاهرة النبوية و كتب مؤلفه الفقير الى الله تعالى زین الدین بن علی بن احمد حامداً مصلياً مسلماً» مترجم).

من شهر جمادی الاولی سنة ثمان و خمسين و تسعمائة من الهجرة الطاهرة النبوية و لمؤلفه<sup>۱</sup> الفقير الى الله تعالى زين الدين بن علي بن احمد حامداً مصلياً مسلماً»

خداوند بلند مرتبه او را توفیق دهد و استوارش نگه دارد، و از هر خیر او را بهره مند کند و فزونتر عطا کند و او را مورد تایید خود قرار دهد، خواندن متن را به قرائت و سماع و فهم و بحث و شرح دادن آن برایش توسط من به پایان رساند در مجالس متعددی که آخرین آنها روز یکشنبه سه شب گذشته از ماه جمادی الاولی سال ۹۵۸ از هجرت نبوی پیامبر طاهرش و نگاشت مؤلف نیازمند درگاه خداوند بلند مرتبه زین بن علی بن احمد در حالی که ستایش گوی پروردگارش و درود فرستاننده بروی و ایمان آوردنده به اوست.

سخن از اینکه کاتب نسخه رانزد مؤلف در مجالس مختلفی (المجالس المتعددة) سماع کرده دلالت دارد که کاتب محمد بن احمد بن ناصر الدین دست کم جلد اول رانزد زین الدین خوانده است. به علاوه دو تاریخ، یکی تاریخ کتابت نسخه یعنی ۱۳ شعبان ۹۵۷ / ۲۶ آگوست ۱۵۵۰ و تاریخ اجازة زین الدین به شاگردش سوم جمادی الاولی ۹۵۸ / ۱۰ می ۱۵۵۱ متضمن این است که شهید ثانی کتاب را دست کم به مدت فزونتر از هشت ماه به کاتب تدریس می کرده است. برهه ای که در طی آن این دو مشغول خواندن کتاب بوده اند، احتمالاً دست کم یک سال و نیم بوده چرا که خواندن مجلد اول بیش از هشت ماه به طول کشیده بود و کتاب مشتمل بر دو جلد است. متأسفانه نسخه حاضر آسیب دیده و انجامة اصل مجلد دوم افتاده که به احتمال بسیار باید مشتمل بر انجامة دیگر کاتب و شاید اجازة زین الدین عاملی به کاتب بوده است.

به واسطه دیگر منابع می دانیم که زین الدین از ۱۵۴۹/۹۵۶ تا هنگام شهادتش در نه سال بعد، در خفا بوده است. این دوره از زندگی و فعالیتهايش در پرده ابهام قرار دارد و اساساً به این دلیل که شرح حال زندگی او که شاگردش ابن العودی به نام بغية المرید نوشته، تقریباً دو سوم از اصل متنش که مشتمل بر احوال زین الدین در سالهای مذکور بوده، اکنون در دست نیست (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۲۹۴-۲۹۶، ۳۲۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ استوارت، ۲۰۰۹). در اکثر نه سال اخیر زین الدین مشغول به تدریس فقه به شاگردان امامیش در جزین و دیگر روستاهای

۱. همایی عبارت متن را «و انا مؤلفه» خوانده است. (همانگونه که اشاره شد شهید ثانی عبارت کتب را به صورت ل کوچکی کتابت کرده است. مترجم).









شرح حال او چنین است: «فاضل، فقیه، صالح، من تلامیذ الشیخ ابن الشہید الثانی» «مردی عالم، فقیه، پرهیزگار و از جمله شاگردان فرزند شہید ثانی یعنی شیخ حسن صاحب معالم بوده است» (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۴۳).<sup>۱</sup> هیچ تاریخ تولد یا وفاتی ذکر نشده اما این مطلب که وی از جمله شاگردان شیخ حسن، فرزند زین الدین (متولد در ۱۵۵۲/۹۵۹، متوفی ۱۶۰۲/۱۱۰۱) بوده نشانگر این است که او به نسلی بعد از شہید ثانی تعلق داشته است. اسامی یکسان هستند هر دو سید، و جدّ هر دو ناصر الدین است که نامی نادر است و شهرت هر دو فرد کرکی عاملی آمده است. بسیار محتمل است که بدر الدین فرزند سید محمد ذکر شده در قبل باشد.

اطلاعات آمده در نسخه الروضة البهية این امر را میسر می کند که متن آمده در امل الآمل را تکمیل کنیم: صورت صحیح نام ها ظاهراً باید چنین باشد: محمد بن احمد بن ناصر الدین و بدر الدین بن محمد بن احمد بن ناصر الدین. نام محمد آمده در برخی از نسخه های امل الآمل به صورت محمد بن محمد، به احتمال بسیار باید خطای کاتب در کتابت احمد باشد که به راحتی در کتابت اشتباه می شود.

اختلافاتی در باب شهرت یا انتساب جغرافیایی در نام های هر دو فقیه وجود دارد. امل الآمل آنها را یعنی پدر و پسر را کرکی عاملی معرفی کرده که دلالت دارد هر دو عاملی از جبل عامل و کرکی هستند یعنی اهل روستای کرک نوح نزدیک بعلبک در دره بقاء. از نظر جغرافیایی کرک نوح که اکنون در شمال لبنان است بخشی از جبل عامل نیست جز آنکه حر عاملی تعبیر عاملی را به شکل موسعی برای معرفی عالمان شیعه نواحی شام به کار برده است (سالاتی، ۱۹۸۵). در انجامة الروضة البهية محمد بن احمد بن ناصر الدین شهرت خود را الحلی آورده که اشاره ای به شهر حله در جنوب عراق است و خود را کرکی یا عاملی معرفی نکرده است. این اختلاف را شاید با در نظر گرفتن این مطلب که خانواده در کرک نوح برای شاید چند نسل سکنی داشته اما اجدادشان در حله جنوب عراق ساکن بوده اند، برطرف نمود.

۱. این اطلاعات را میرزا عبد الله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، شش جلد، تحقیق سید احمد حسینی (قم: مطبعة الخيام، ۱۹۸۰)، ج ۱، ص ۹۶ و محسن امین، اعیان الشیعة (بیروت: دارالتعارف، ۱۹۸۴)، ج ۳، ص ۵۴۹؛ آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: القرن الحادی عشر، تحقیق علینقی منزوی (قم: اسماعیلیان، بی تا)، ص ۷۹ و 618، "Sādāt," Salati تکرار کرده اند.





مسالك كتابت شده متضمن اين است كه محمد بن احمد بن ناصر الدين به مدت طولانی نزد زين الدين به تحصيل مشغول بوده است يعنى از ۱۵۴۸/۹۵۱ تا دست كم ۱۵۵۹/۹۵۹ حدود نه سال. وى بايد شاگرد بسيار نزديكى به استادش بوده يعنى حلقه نزديكان شهيد ثانی. مى توان حدس زد كه تبخّر او در كتابت باعث شده بود كه او براى استادش به عنوان شاگردى برجسته تر همچنين شماری از همقطاراناش مورد توجه قرا گیرد.

نسخه ۲۱۸۹ كتابخانه ملك در تهران كه مجلدی از اجزاء كتاب تهذيب الاحكام از كتب اربعة شيعه و تأليف محمد بن حسن طوسى (متوفى ۱۰۶۷/۴۶۰) مى باشد. محمد بن احمد بن ناصر الدين حسینی از كتابت آن در ۲۶ ذى الحجة ۹۶۱/۲۲ نوامبر ۱۵۵۴ فراغت حاصل کرده است (ايرج افشار و ديگران، ۱۹۷۳-۲۰۰۱، ج ۱، ص ۱۸۴).

رضا مختاری مطلب ديگری آورده كه نشان از ارتباط سيد محمد بن احمد بن ناصر الدين با زين الدين عاملی دارد. در ظهر نسخه ای از كتاب الروضة البهية كه اكنون در كتابخانه آستانه مقدسه قم موجود است مطلبی درباره اينكه زين الدين در هفدهم رمضان ۹۶۵/ جولای ۱۵۵۸ به شهادت رسيد، به نقل از وى آمده است. عالمی كه اين مطلب را ثبت کرده، متذکر شده كه او نسخه را از روى دست خط محمد بن احمد بن سيد ناصر الدين حسینی كتابت کرده است. نسخه در هشتم محرم ۱۰۸۷/ مارس ۱۶۷۶ توسط عبدالباقي بن عبدالباقي بن رضی الدين محمد حسینی اريمانی تويسرکاني كتابت شده و او گفته كه نسخه اساس كتابتش نسخه ای بوده كه محمد بن احمد بن سيد ناصر الدين حسینی در ۲۵ شعبان ۹۶۳/ سوم

است. تاريخ های آمده در بخش هایی از نسخه كه توسط محمد بن احمد بن ناصر الدين حسینی عاملی كتابت شده به ترتيب چنين است: پايان كتاب المعيشة (برگ ۲۲۰ ب) (... و كتبه بيده العبد الفقير الراجى عفوره القدير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسينى بالمشهد المعظم امير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام يوم الاحد المبارك سابع عشرين من شهر ذى القعدة الحرام من شهر سنه اربع وثمانين و تسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً)؛ پايان كتاب النكاح (برگ ۲۷۰ ب) (وافق الفراغ من هذا الكتاب المبارك يوم الخميس المبارك خامس يوم من شهر صفر مفتتح سنة خمس وثمانون و تسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام بالمشهد الغرورى على ساكنها افضل الصلوة والسلام... و كتبه بيده العبد الفقير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسينى العاملى بالمشهد الغرورى على ساكنه افضل الصلوة والسلام). به نظر مى رسد كه او در اواخر عمر خویش در نجف اقامت گزيده است. بنگريد به: فرييا افكارى، فهرست نسخه های خطی كتابخانه مركزى و مركز اسناد دانشگاه تهران (تهران: كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شورای اسلامى، ۱۳۹۱ ش)، ج ۱۹، ص ۷۰۸-۷۰۹. مترجم).

جولای ۱۵۵۶ کتابت کرده است (مختاری، ۱۹۸۹، ص ۱۵؛ دانش پژوه، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲).

نسخه شماره ۴۸ کتابخانه قائن مشتمل بر مجلدی از کتاب کافی مجموعه مشهور حدیثی شیعه تألیف محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۹/۹۴۱) است که مشتمل بر باب المعیشت تا طلاق است و توسط ابن ناصرالدین در دهم رجب ۹۶۴ / نهم می ۱۵۵۷ کتابت شده است (اشکوری، ۲۰۰۲، ص ۴۴).

نسخه ۷۴۴۹ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم، مشتمل بر مجلد اول از مجلدات هفت گانه کتاب فقهی زین الدین مسالک الافهام است که محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی کتابت کرده است. تاریخ کتابت آن اواخر ذوالقعدة ۹۶۸ / میانه آگوست ۱۵۶۱ (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۱۹، ص ۲۵۳-۲۵۴).

نسخه ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلد دوم کتاب مسالک الافهام است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی حلی ذکر کرده و تاریخ فراغت از کتابت را ۲۵ جمادی الاولی ۹۷۱ / دهم ژانویه ۱۵۶۴ ذکر کرده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۲۰، ص ۲۵۰).

نسخه ۳۸۲۰ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم یکی از مجلدات کتاب کافی کلینی است که مشتمل بر ابواب نکاح تا ایمان (قسم) است. در انجامة، محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی گفته که کتابت کتاب را در صفر ۹۸۰ / ژوئن - جولای ۱۵۷۲ آغاز کرده و کتابت آن را در ۲۳ شوال ۹۸۰ / ۲۶ فوریه ۱۵۷۳ به پایان رسانده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۱۵، ج ۱۰، ص ۱۹۸-۱۹۹). در همان سال، ۱۵۷۲/۹۸۰-۱۵۷۳ محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی مجلدی از دیگر کتب اربعه شیعه در حدیث یعنی الاستبصار شیخ طوسی که اکنون به شماره ۵۳۴۵ در کتابخانه ملک هست را کتابت کرده است (ایرج افشار، ۱۹۷۳-۲۰۰۱، ج ۱، ص ۳۶).

نسخه ۹۳۸۴ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلدی از کتاب من لا یحضره الفقیه، مجموعه ای حدیثی از کتب اربعه تألیف ابن بابویه (متوفی ۳۸۱/۹۹۱) است که در پنجم ربیع الاول ۹۸۱ / پنجم جولای ۱۵۷۳ توسط محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی علوی کتابت شده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۰۱، ج ۲۴، ص ۱۶۶-۱۶۷).









الروضة البهية که در ۹۵۷-۹۵۸ / ۱۵۵۰-۱۵۵۱ برای خود آورده بانسبتی که در نسخه ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی قم که مشتمل بر مجلد دوم کتاب مسالک الافهام زین الدین عاملی است و تاریخ کتابت آن ۲۵ جمادی الاولی ۹۷۱ / ۱۰ ژانویه ۱۵۶۴ است، تأیید می شود. در نسخه اخیر او خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی حلی معرفی کرده است. نکته نامشخص این است که وی چند مدتی از عمرش را در حله - شهری در جنوب عراق - گذرانده است، یا اینکه در آنجا به دنیا آمده و در جوانی آنجا را ترک کرده یا آنکه در جایی دیگر به دنیا آمده اما اجدادش اهل حله بوده اند. این واقعیت که حر عاملی نسبت کرکی را برای او و فرزندش به کار برده متضمن این است که دست کم آنها برای مدت طولانی در کرک نوح - مکانی نزدیک بعلبک - اقامت داشته اند.

\*\*\*

### نسخه ای از کتاب القاموس المحيط محمد بن یعقوب فیروزآبادی

نسخه ای دیگر که محمد بن احمد بن ناصرالدین کتابت کرده، نشانگر آن است که وی خود را بر مذهب فقه شافعی معرفی می کرده است. نسخه شماره ۳۴۲ کتابخانه ملی ملک که نسخه ای از کتاب لغت مشهور القاموس المحيط تألیف محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۱۴۱۴/۸۱۷) است که محمد بن احمد بن السید ناصرالدین آن را کتابت کرده است. انجامه کاتب در آخر کتاب چنین است:

«... نجز القاموس المحيط و القاموس الوسیط علی يد العبد الفقیر الی الله تعالی محمد بن احمد بن السید ناصرالدین الحسینی نسباً، الشافعی مذهباً، بدمینة دمشق المحروسة آخر نهار الأربعاء مسیه لیلة الخمیس المبارک تاسع یوم من شهور شوال المبارک من شهور سنة احدى و سبعین و تسعمائة هجرية علی مشرفها افضل الصلوة والسلام علی اشرف الخلق و اکمل الخلق محمد صلی الله علیه و السلم تسليماً كثيراً...» (برگ ۵۹۲ رو).

«کتابت این نسخه از کتاب القاموس المحيط و القابوس الوسیط به دست بنده ناچیز خداوند بلند مرتبه محمد بن احمد بن سید ناصرالدین حسینی نسب و شافعی مذهب در شهر دمشق خداوند نگهدارش باشد در پایان روز چهارشنبه و آغاز شب پنجشنبه مبارک نهم ماه



شوال مبارک از سالهای ۹۷۱ هجری که بر صاحب تشریف بخشیدن به آن برترین درودها و سلامها بر اشرف و کاملترین بندگان محمد که صلوات خداوند و سلامش بر او پیوسته و مداوم باد، به پایان رسید....».

نسخه انجامة ای دیگر نیز دارد که مشابه انجامة نخست است جز در سال ذکر شده: تاریخ در اینجانبهم شوال ۹۷۲ (برگ ۵۹۳ رو) آمده است. محتمل ترین توضیح برای این مطلب آن است که کاتب در ذکر سال خطا کرده و بار دیگر انجامة را با ذکر تاریخ درست نوشته است. تاریخ صحیح برای فراغت از کتابت نسخه بر این اساس نهم شوال ۹۷۱ / بیست می ۱۵۶۴ نیست بلکه نهم شوال ۹۷۲ / ۱۰ می ۱۵۶۵ است. هر چند عموماً در انجامة محل کتابت نسخه ذکر نمی شود اما در اینجا به صراحت مکان کتاب نسخه دمشق ذکر شده است. کاتب به احتمال بسیار همان کاتب نسخه الروضة البهية است که در قبل از او سخن رفت چرا که دست خط نیز یکی است.

تردیدی در این مطلب که محمد بن احمد بن ناصر الدین عالمی امامی مذهب است، نیست. او فقه امامیه را در سالهای بسیاری نزد زین الدین عاملی خوانده از جمله کتابهای اصلی فقهی استادش الروضة البهية و مسالک الافهام. او در ارتباط بسیار نزدیک با زین الدین در ایامی که وی در خفا بسر می برده، بوده است. تمام کتابهایی که در قبل از آنها سخن رفت جملگی آثار رسمی در سنت امامیه بوده اند و او آنها را پیش و بعد از کتاب قاموس کتابت کرده است. فزونتر آنکه او و فرزندش بدرالدین به عنوان عالمانی شیعه توسط حر عاملی درامل الآمل ذکر شده اند (یعنی که تردیدی در تشیع آنها نیست). محتملترین نتیجه برای شاهد و مدرک ارایه شده این است که او زمانی که کتاب القاموس المحيط را کتابت می کرده، تقیه کرده (و خود را شافعی معرفی کرده) است. او کاتبی خبره بوده که نسخه ای از این اثر متداول را برای فروش احتمالاً به عالمان سنی کتابت کرده است. نسخه بعدها در میان حلقه های عالمان سنی چون گروهی از قضات عثمانی تداول داشته و در اختیار آنها بوده است. تملکات بر نسخه دلالت دارد که یکی از مالکان درویش زاده خلیل جودت (حیات قرن یازدهم هجری) قاضی از میر بوده است. تملک دیگری از حاجی ولی الدین بن حاج احمد زاده، قاضی مکه بر نسخه موجود است. نسخه را شخصی به نام محمد بن خلیل بغدادی به مکه در ۱۷۳۱/۱۱۴۴-

۱۷۳۲ برده است.<sup>۱</sup> مشخص نیست که در چه زمانی نسخه سر از ایران درآورده است. دو مطلب در نحوه معرفی آمده در انجامة دلالت بر تقیه دارد. نخست حذف نسبت متداول توسط کاتب است که تنها نسبت اجدادی خود حسینی را آورده است که دلالت بر این دارد او سید و از نوادگان امام حسین ع است. وی نسبت کرکی خود را که حر عاملی به آن اشاره کرده، را نیاورده است که معرف آن است که وی اهل کرک نوح است و ممکن بوده تشیع خود را به دلیل ذکر آن آشکار کند. همچنین نسبت حلی را نیز نیاورده که در انجامة الروضة البهية آورده که آن نیز باید به سبب اجتناب از معرفی خود به عنوان فردی شیعی بوده باشد. این شیوه با آنچه که از دیگر اسناد دال بر تقیه در اختیار داریم، هماهنگ است. به عنوان مثال حسین بن عبدالصمد عاملی (متوفی ۱۵۷۶/۹۸۴) شاگرد برجسته زین الدین عاملی و فرزند بسیار مشهور حسین بن عبدالصمد، بهاء الدین عاملی نسبت اجدادی خود الحارثی الهمدانی اشاره به جدشان حارث بن عبدالله اعور همدانی (متوفی ۶۸۴/۶۵-۶۸۵) از اصحاب مشهور علی بن ابی طالب ع را به جای ذکر نسبت الجبعی یا العاملی در هنگام عمل به تقیه ذکر کرده اند و شهید اول از به کارگیری نسبت جزینی در معرفی خود اجتناب کرده و به جای آن از شهرت و لقب دمشقی برای معرفی خود استفاده کرده است (استوارت، ۱۹۹۶، ص ۴۶-۴۷؛ همو، ۱۹۹۷، ص ۱۸۰-۱۸۱).

دیگر مطلب دال بر تقیه، عمل بسیار مشهور این است که ابن ناصر الدین به صراحت خود را شافعی مذهب یکی از چهار مذهب رسمی اهل سنت در روزگارش معرفی کرده است. این مدرک همچنین دیگر شواهد پیروی از مذهب فقهی شافعی که عالمان امامی هنگام تقیه خود را به آن معرفی می کردند را تأیید می کند. دیگر شاهد صریح و روشن در باب پیروی از مذهب فقهی شافعی نسخه ای از کتاب نُور الحقیقه و نُور الحدیقه کتابی در اخلاق اسلامی است که حسین بن عبدالصمد تألیف کرده است. در نسخه ای از کتاب که به سلطان سلیمان عثمانی تقدیم شده و کتابت آن در استانبول به تاریخ دوازدهم ذوالقعدة ۹۴۵ / اول آوریل ۱۵۳۹ به پایان رسیده، حسین بن عبدالصمد خود را «حسین بن عبدالصمد الشافعی الحارثی الهمدانی» معرفی کرده است (استوارت، ۱۹۹۷، ص ۱۶۹-۱۷۶). با فرض اینکه ابن ناصر

۱. ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه و دیگران، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۱۳ (تهران: کتابخانه ملی ملک، ۱۹۷۳-۲۰۰۱)، ج ۱، ص ۵۵۹-۵۶۰.



الدین کاتبی کثیرالکتابه بوده محتمل است که مانسوخه های دیگری از کارهای کتابت شده توسط او را با همین ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی بیابیم.

شواهد تفصیلی دیگری که عالمان امامی در شام تحت تسلط عثمانی خود را شافعی معرفی می کرده اند، در دست است. زین الدین عاملی و شاگردش حسین بن عبدالصمد هر دو نزد عالمانی از اهل سنت دمشق و مصر تحصیل کرده بودند. در مصر آنها فقه اسلامی را نزد فقیهان برجسته شافعی خوانده بودند و بنظر محتمل نمی رسد که آنها موفق به انجام چنین کاری شده باشند جز آنکه ادعای اهل سنت بودن و پیروی از یکی از مذاهب فقهی را کرده باشند. هر دو در ۹۵۲/۱۵۴۶ به استانبول سفر کرده بودند و تقاضای دریافت سمت تدریس فقه در مراکز علمی را به مقامات رسمی اداری عثمانی داده بودند و هر دو سمت هایی را به دست آورده بودند؛ زین الدین استاد تدریس فقه در مدرسه نوریه بعلبک شده بود و حسین استاد فقه در مدرسه ای در بغداد سمتی که او از پذیرش آن سرباز زده بود. از آنجایی که مدرسه نوریه نهادی متعلق به شافعیان بود، معقول است که تصور کنیم زین الدین باید خود را در استانبول فقهی شافعی معرفی کرده باشد. او تدریس در مدرسه نوریه را در ۹۵۳-۹۵۴ / ۱۵۴۶-۱۵۴۷ رها کرده و ترک کرده بود.<sup>۱</sup> زمانی که زین الدین برای بار نخست در دمشق حدود

1 Stewart, "Iusayn b. YAbd al-Namad al-YAmilD's Treatise for Sultan Suleiman," 169-76; Salati, "Il Viaggio di Zayn al-DDn."

(عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی (متوفی پنجم شعبان ۱۱۴۳) در ۲۲ ربیع الاول ۱۱۱۲ سفر خود به طرابلس را از دمشق آغاز کرد و بخشی از مطالب مربوط به سفر خود را در اثری با عنوان التحفة النابلسیة فی الرحلة الطرابلسیة، حقه و قدم له هریرت بوسه (بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقیة، ۲۰۰۳) پیش از ربیع الاول ۱۱۱۳ تدوین کرده است. وی دیداری از کرک نوح و مزار منسوب به نوح نبی در آنجا داشته و از متولی آن مقام که از سادات آل مرتضی بوده، یاد کرده و اشاراتی درباره او آورده و گفته که به همراه او در جامع کبیر کرک نوح نماز جمعه را بر مذهب شافعی خوانده است (ثم إننا صلینا الجمعة علی مذهب الإمام الشافعی فی هذا الجامع الکبیر الذی هو جامع قریة الکرک... (التحفة النابلسیة، ص ۱۱۱). سادات آل مرتضی متولیان رسمی مقام نوح در کرک نوح بوده اند و در وقیة امیر محمد بن ناصر الدین معروف به حنش نیز از متولی مقام که فردی به نام سید علوان بن سید علی بن علی بن حسین (متوفی بعد از ۹۴۵) بوده، به عالی شافعی از خاندان آل مرتضی (قدوة علماء السادة الشافعیة) یاد شده است. بنگرید به: حسن عباس نصرالله، تاریخ کرک نوح (دمشق، ۱۴۰۶/۱۹۸۶)، ص ۱۷۴؛ محمد عدنان بختی، «دور أسرة آل الحنش و المهام التي أوکلت إليها فی ریف دمشق الشام ۷۹۰هـ/۱۳۸۸م - ۹۷۶هـ/۱۵۶۸م دراسة وثائقیة»، همو، دراسات فی تاریخ بلاد الشام: سوریه و لبنان (دمشق، ۲۰۰۸)، ج ۳، ص ۷۶ مترجم).



۱۵۵۷/۹۶۴ دستگیر شد، گزارش شده که او قاضی حنفی شام، حسن بیگ افندی (متوفی ۱۵۷۶/۹۸۴) را با ذکر عبارت ترضیه بر صحابه پیامبر از جمله ابوبکر و عمر و پاسخ دادن باین که وی شافعی مذهب است هنگامی که از مذهب فقهی او پرسش شده بود، به سنی بودن متقاعد کرده بود (بلک بورن، ۲۰۰۵، ص ۲۰۸-۲۱۰؛ استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۳۳، ۳۳۶-۳۶۷). مثالهای دیگری از چنین ادعای مشابهی از شیعیان همین منطقه البته نه در زمان مورد بحث فعلی در دست است. گفته شده که محمد بن مکی در محکمه خود در دمشق در ۱۳۸۴/۷۸۶ خود را شافعی معرفی کرده است (امین، ۱۹۸۴، ج ۱۰، ص ۶۰). بسیاری از افراد خانواده های اشراف و سادات در ناحیه که در خفاشیعه بوده اند در هنگام معرفی خود را شافعی مذهب معرفی کرده اند (سالاتی، ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۹). زمانی که فقیه سنی مذهب عبدالغنی نابلسی (متوفی ۱۷۳۱/۱۱۴۳) از کرک نوح در ۱۷۰۰/۱۱۱۲ دیدار کرده، او شریف شیعه از خاندان آل مرتضی راستایش کرده و گفت او و شریف بر اساس مذهب شافعی نماز گزارده اند (ویتتر، ۲۰۱۰، ص ۲۹). نسخه القاموس المحیط فیروزآبادی شاهد دیگری برای ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی در میان شاگردان زین الدین در اختیار مآقراری هد و دلالت دارد که آنها و بسیاری از عالمان شیعه جبل عامل و نواحی مجاور در این دوران عموماً چنین ادعایی می کرده اند و عمل به تقیه شیوه ای مرسوم و متداول بوده است.

ادعای شافعی بودن در مواردی دست کم فراتر از تنها بیان شفاهی چنین پیروی بوده است. زین الدین عاملی و حسین بن عبدالصمد عاملی فقه و اصول فقه رانزد برجسته ترین فقیهان شافعی قاهره خوانده و اجازاتی که نشانگر آن باشد، دریافت کرده بودند. به واقع هر دو در فقه شافعی تبحر داشته اند. در انجام چنین شیوه ای، آنها از همان سنت کهن متداول در میان امامیه خواندن فقه نزد اهل سنت که فقیهان برجسته ای چون علامه حلی (متوفی ۱۳۲۵/۷۲۶) و شهید اول پیروی کرده اند (استوارت، ۱۹۹۷). محتمل است که محمد بن احمد بن ناصر الدین نیز فقه شافعی رانزد عالمان سنی همچون زین الدین خوانده باشد، اما منابع چنین تصریح آشکاری را در بر ندارند. شاید هم ادعای شافعی بودن تنها شگردی برای دور کردن سوء ظن گرایش مذهبی او بود یا تظاهر به تسنن تنها به خاطر جلب نظر خریداران سنی برای خریدن نسخه از وی بوده باشد. با این همه اگر روابط بسیار نزدیک او با استادش زین الدین که تنها هفت سال قبل شهید شده بود را در ذهن داشته باشیم، وی ممکن است که

احساس خطر جدی کرده باشد.

برخی مورخان نقش تقیه در زندگی روزمره شیعیان لبنان در دوره عثمانی را کم اهمیت می دانند و معتقدند که زندگی پنهانی زین الدین عاملی و حتی شهادت او و سفرهای بهاء الدین عاملی به شام، مصر و حجاز حوادثی غیر طبیعی بوده است. اشتفان ویتتر، می نویسد که چنین اموری دلالت بر خصومت و عداوت عمومی علیه شیعه ندارد (ویتتر، ۲۰۱۰، ص ۲۰-۲۶). در حالی که دو مورد ذکر شده مواردی استثنائی هستند و شیعیان در لبنان و شام تحت سیطره عثمانی با دشواری های مدام مواجه نبوده اند، شیوه هایی که آنها یعنی شهید ثانی و شیخ بهایی برای معرفی خود بدان متوسل شده اند، باعث ترغیب کردن شیعیان و عقیده رایج لزوم عمل به تقیه که شامل ادعای پیروی از مذهب شافعی بوده، احتمالاً در میان جوامع شیعه بسیار متداول بوده باشد.









سامی مکارم، التقية في الاسلام (لندن: مؤسسة التراث الدرزي، ٢٠٠٤).

Meyer, E. (1980) "Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya", *Der Islam* 57, 246-80.

نزیه محیی الدین، التقية (بيروت، بی تا).

رضامختاری، مقدمه برزین الدین عاملی، منية المرید فی أدب المفید والمستفید (قم،

١٩٨٩).

Newman, A. (1993) "The Myth of Clerical Migration to Safawid Iran: Arab Shiite Opposition to YĀLĪ al-Karakī and Safawid Shiism", *Die Welt des Islams* 33, 66-112.

Salati, M. (1985) "Le nisbe geografiche del *Kitāb amal al-āmil fi dhikr 'ulamā' Jabal 'Āmil*", *Cahiers d'Onomastique Arabe* (1982-84), 57-63.

Salati, M. (1989) "I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana", *Rivista degli Studi Orientali* 63, 231-55.

Salati, M. (1990) "Ricerche sullo Sciismo nell'impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dīn al-Šahīd al-Tānī a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)", *Oriente Moderno* 70, 81-92.

Salati, M. (1992) *Ascesa e caduta di una famiglia di Ašraf sciiti di Aleppo: I Zuhrawi o Zuhra-zada (1600-1700)*.

Salati, M. (1993) "Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on the Shiism in the Holy Places and the Bilad al-Sham (Sixteenth-Seventeenth Centuries)," in *La Shi'a nell'Impero ottoman*, Rome, 123-32.

Salati, M. (1999) "Presence and Role of the *Sādāt* in and from Éabal YĀmil (Fourteenth-Eighteenth Centuries)", *Oriente Moderno* 79, 597-627.

Salati, M. (2002) "Shiism in Ottoman Syria: A Document from the QĀĀḌ Court of Aleppo (963/1555)", *Eurasian Studies* 1, 77-84.

على الشملوى، التقية في إطارها الفقهي (بيروت، ١٩٩٢).

Stewart, D.J. (1996a) "Notes on the Migration of YĀmilī Scholars to Safavid Iran", *Journal of Near Eastern Studies* 55, 81-103.

Stewart, D.J. (1996b) "Taqiyyah as Performance: The Travels of Bahā' al-Dīn al-YĀmilī in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)", *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 4, 1-70.

Stewart, D.J. (1997) "Ūsayn b. 'Abd al-Namad al-YĀmilī's Treatise for Sultan Suleiman and the Shī'ī Shafī'ī Legal Tradition", *Islamic Law and Society* 4, 156-99.

Stewart, D.J. (1998) *Islamic Legal Orthodoxy: Twelver Shiite Responses to the Sunni Legal System*, Salt Lake City.

Stewart, D.J. (2003) "Documents and Dissimulation: Notes on the Performance of *Taqiyya*", in Cristina de la Puente (ed.), *Identidades*

*Marginales. Estudios Onomásticos-Biográficos de al-Andalus, XIII*, Madrid, 569-98.

Stewart, D.J. (2006) "An Episode in the Amili Migration to Safavid Iran: Husayn b. Abd al-Samad al-Amili's Travel Account", *Iranian Studies* 39.4, 481-508.

Stewart, D.J. (2008) "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-Āmilī", *Die Welt des Islams* 48 (2008): 289-347.

Stewart, D.J. (2009) "Investigating the Second Martyr", in Muḥammad Kāzim Raḥmatī (ed.), *Law in Transmission: The Amilī Role in the Development of Shi'i Law*, Qum, 10-16.

Stewart, D.J. (2013) "Dissimulation in Sunni Islam and Morisco Taqiyya," *al-Qanṭ ara* 34.2, 439-90.

Strothmann, R. (1913-36) "Takiyya", *Encyclopaedia of Islam*, 1<sup>st</sup> ed., Leiden, vol. VIII, 628-29.

آقابزرگ طهرانی، الذریعة الى تصانیف الشيعة (بیروت، ۱۹۸۳).

همو، طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر، تحقیق علی نقی منزوی (قم،

۱۹۸۷).

Winter, S. (2010) *The Shiites of Lebanon under Ottoman Rule, 1516-1788*, Cambridge.







العظيم فوازي وجعله نوراً بين يدي يوم حسابي بالخير من رب العالمين على فضل الموقور وقبولنا  
عفو خطانا المبرور والصلوات والسلام الأمان الكملان على سيده وصفيه ونظيره وبكره محمد  
الذي يوحى بليان استحقاقه منا الوصف جعدنا ونتمهل الى الله تعالى الكور ان يوحى الى انوارنا  
ونقرب منه بعبادنا وان يمسح على آلنا وان يدرج ولا اله الا هو وقدمناه وديقه العيق وهو المستور فتحه  
الغريب والمنزق ويدل شيئاً كثيراً والى البدار رب العالمين

بحر القاموس المحيط والقابوس الوسيط

على يد العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين الحسيني القابوسي  
في شهر رجب سنة ١٢٤٠ هـ في مدينة قم المقدسة  
المباركة في يوم من ثمانين من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٤٠ هـ  
تحت إشرافه على منظرها افضل القلوب واتم السلام على من خلقه  
واشرف الخلق محمد صلى الله عليه وسلم تسليماً كثيراً  
والحمد لله رب العالمين وعلى الله  
على سيدنا محمد وآله وصحبه  
وسلم تسليماً

١٢٢

